

رانندگه هرکه هرکه در سیرجان

فاطمه شهسواری

گزارش

شده است و از طرفی اوضاع رانندگی مردم و ترافیک شهر روز به روز بفرنج تر می شود.

در عمل دوربین های خیلی از تقاطع های پرتردد در سیرجان مثل چهارراه اشکذری و چهارراه قریب و چند چهارراه دیگر حکم لولوی سر جالیز را پیدا کرده اند.

واقعیت این است که اگر کمی از لاک خودمان بیرون بباییم و کمی از مرکز شهر به اطرافش هم دقت کنیم، متوجه می شویم که سیرجان خیلی وقت است از لحاظ رانندگی به حال خودش رها شده است.

ما در این سالها عادت کرده ایم اسم پا گذاشتن روی گاز و رد شدن از چراغ زرد و قرمز چهارراهها را بگذاریم دست فرمون. اسم پارک کردن های دوبله و سوبله را بگذاریم «کار واجب داشتن» حتا اگر دو قدم آن طرف تر از جایی که ما قصد پیاده شدن داریم هم جا برای پارک کردن خالی باشد! حتا اگر با وسط خیابان توقف کردن ما ترافیک سنگینی پشت سرمان ایجاد شود یا حتا اگر کسی که پیش از ما در گوشه خیابان پارک کرده، قصد رفتن داشته باشد و ما راهش را بسته باشیم. برای فرهنگ شهری نشده و شخصیت خودخواه تک تک ما چه اهمیتی دارد، مزاحمت برای دیگری؟

عادت کرده ایم اسم راه ندادن به دیگریئی که حق تقدم هم داشته را بگذاریم زرنگی و در این کار آن قدر افراط کنیم که حتا با دیدن یک مادر و بچه اش در دست در میانه خیابان هم باز ترجیح مان این باشد که پای مان را روی گاز فشار بدهیم.

حتا اگر بارها شاهد تصادفات سر چهارراهها و ددرسهای مالی بعدی اش باشیم یا اخبار خسارت های جانی ناشی از رعایت نکردن قوانین راهنمایی و رانندگی را شنیده باشیم ولی باز تو گویی نرود میخ آهنین در سنگ. باز هم انگار خیابان حیاط خانه ی شخصی مان باشد. هرجا خواستیم می رانیم، توقف می کنیم یا دستی می کشیم. هیچ کس هم نبوده به ما بگوید خرتان به چند است.

اما فرهنگ رانندگی مردم سیرجان ایراد دارد. درست است. اما عجالتا و در کوتاه مدت تا نظارت قانون نباشد، از تخلفات کاسته نمی شود. در بلندمدت اما باید این نقد را وارد کرد که در این اواخر راهنمایی و رانندگی سیرجان کمی با شورا و شهرداری جلسه ی هماهنگی گذاشته تا هم برای ایجاد چند پارکینگ عمومی و هم برای نهادینه کردن فرهنگ رانندگی در سیرجان، هم اندیشی شود؟

مشکلات ترافیکی سیرجان خود به خود به خاطر رعایت نشدن مقررات راهنمایی و رانندگی در شهر ما کم نیستند اما این مشکلات در مواقع رفت و آمد دانش آموزان به مدارس صدچندان می شوند.

جددًا اینکه سابق بر این عمده دانش آموزان در مدارس نزدیک خانه خود ثبت نام می شدند و با پای پیاده یا دوچرخه راهی مدرسه بودند و اضاف بر آن برای باقی مینی بوس هایی بودند که به عنوان سرویس مدارس ایفای نقش می کردند ولی چندی است که دلایل مختلف دست به دست هم داده اند تا در زمان رفت و آمد دانش آموزان و اولیای مدارس شاهد گره کور ترافیکی در خیابان های سیرجان باشیم. افزایش جمعیت یک شهر مهاجر پذیر، آن فضای آشنا و امن روانی مردم شهر را از بین برد. با بزرگ شدن شهر کوچکی مثل سیرجان، دیگر کمتر پدر و مادری جرات می کند کودک پسر و دخترش را با پای پیاده یا با دوچرخه راهی مدرسه کند و عموم اولیای خانه ترجیح دهند خودشان شخصا با خودروی خود بچه هاشان را میان خانه و مدرسه جا به جا کنند.

رفته رفته رقابت ناسالم در نظام آموزش موجب شده که عمده اولیای خانه، فرزندان شان را در مدارس مجاور سکونت خود ثبت نام نکنند و دنبال مدرسه های خاصی باشند بدون توجه به میزان مسافت.

همزمان با این اتفاق از طرف دیگر اندک اندک مینی بوس های سابق فرسوده شدند و در کشور تحریم شده ما جایگزینی هم برای این ناوگان ایجاد نشد و تنها خودروهای سواری جای سرویس های مدرسه را گرفتند که طبیعتا خود نه تنها برطرف کننده مشکل نیستند که خود بخشی از مشکل شده اند زیرا به حجم ترافیکی می افزایند.

اگر بگویند شهری به امان خدا رها شده، آنجا بدون شک سیرجان است. رانندگی های هرکی هرکی دیگر در سیرجان پذیرفته و تبدیل به فرهنگ شده است.

دوربین های سر چهارراهها انگار از فعلیت افتاده باشند که خیلی راحت جوانان سر مست با خودروشان دستی می کشند و حرکات خطرناک نمایشی اجرا می کنند.

چراغ زرد هم در سیرجان سال هست به این معنی تلقی شده که همه طرف های چهارراه می توانند برانند!

بنابراین گاز دادن سر چهارراهها هنگام زردی چراغ و قفل شدن ترافیک به ویژه وقتی گروهی قصد مستقیم رفتن و گروهی دیگر نیت گردش به چپ دارند، از مشکلات اساسی و بزرگ گره کور ترافیکی در سیرجان است. در حالی مسئولان ترافیکی منفعل هستند که مردم در شهر هرجا خواستند پارک می کنند و هرطور خواستند می رانند. نوعی هرج و مرج که در دانش سیاست به عنوان علم مدیریت جامعه به آن جنگ همه علیه همه می گویند. هیچ راه حل فوری و آنی هم نیست جز اعمال جریمه سنگین در کوتاه مدت و هزینه کردن مسؤلان شهری برای کار فرهنگی از طریق رسانه های محلی تا برای ارتقا فرهنگ رانندگی مردم سیرجان بکوشند.

از سوی دیگر به نظر می رسد اقدامات پیشگیرانه و ابزاری برای کنترل عبور و مرور در سیرجان فراموش شده است.

مثلا برای گردش به چپ خودروها در بسیاری از چهارراه های شلوغ سیرجان یک بازه ی زمانی جدای از خودروهایی بگذارند که قصد مستقیم رفتن دارند، تعیین نشده است. مثل کار درستی که در سه راه کرمان و چهارراه شهرداری منطقه یک شده است. در عمل می بینیم که سه زمانه و چهارزمانه کردن چراغ های راهنمایی و رانندگی در چهارراه های پرترددی مثل چهارراه تامین اجتماعی و چهارراه شهربابکی و... انجام نشده است در حالی که این مشکل در چهارراه مشهور به شهربابکی دوچندان هم هست زیرا خیابان امام رضاع) یک طرفه است و خودروهایی که از خیابان امام رضا به این چهارراه می رسند، اگر نیت ادامه مستقیم مسیر را داشته باشند، گاهی ناگزیر از دست چپ وارد خیابان دو طرفه امیرکبیر می شوند و با خودروهایی که از امیرکبیر به چهارراه شهربابکی رسیده اند، رخ به رخ شده و احتمال تصادف را بالاتر می برند. حالا تصور بفرمایید که خودرویی از سمت چپ خیابان امام رضا قصد دارد وارد امیرکبیر شود و از طرف مقابل خودروی رسیده به چهارراه در امیرکبیر نیز قصد گردش به چپ در چهارراه را دارد، برخوردی هم بین خودروها اتفاق نیفتد، گره کوری ایجاد می شود که برای پیاده ها تماشایی ست و برای سواره ها اعصاب خرد کن!

واقعا چرا در شورای ترافیک فکری به حال این مسایل شهر سیرجان نمی شود؟ انگار شهر به حال خود رها شده و رانندگی ها به راستی هرکی هرکی ست.

بسیاری از این مشکلات ترافیکی سیرجان جدید نیست و مختص امسال و پارسال هم نیست. این مشکلات در عینی که کهنه کرده اما به خاطر تکراری شدن و عادی به نظر رسیدن، فکری هم به حال شان نمی شود!

حالا انگار سالیانی است که راهنمایی و رانندگی نیز تسلیم همین فرهنگ غلط رانندگی ما سیرجانی ها در چهارراه و پارک کردن های نابجایان در خیابان ها شده است.

طبیعتا هر مامور وظیفه شناس پلیس از مردم توقع دارد به قوانین راهنمایی و رانندگی پایبند باشند و خود را ضامن اجرایی این قوانین می داند اما کار وقتی بیخ پیدا می کند که به خاطر کثرت تخلف، دیگر درجه ی حساسیت راهنمایی و رانندگی هم پایین بیاید و به قولی تخلف برایش عادی شود.

شاید به همین دلیل است که راهنمایی و رانندگی چند سالی هست که در سیرجان دچار روزمره گی گشته. یعنی همه چیز برایش علی السویه